



The Jurisprudential and Legal Framework and Requirements of Women's Right to Education

Sayyede Fatemeh Faqih¹, Fatemeh Amiri²

1. Assistant Professor, Faculty of Law, Hazrat Masoumeh University, Qom, Iran, (Corresponding Author) Email: ffaghihi@hmu.ac.ir
2. M.A. in Human Rights, Hazrat Masoumeh University, Qom, Iran. Email: f.amiri.law@gmail.com

Abstract

The right to education, especially for women, is one of the fundamental issues in the field of human rights, accompanied by various challenges and opportunities. Women not only constitute half of the global population but also play a decisive role in raising future generations. This article examines the legal frameworks and constitutional requirements of the Islamic Republic of Iran regarding the provision of women's right to education by analyzing relevant documents and regulations. In the Islamic Republic of Iran, the right to education must be exercised within specific religious frameworks. This paper provides a detailed examination of these requirements and the implementation of the government's obligations concerning women's education. A review of both international and domestic documents and regulations reveals that the right to education for women cannot be defined solely as a negative obligation or a civil right. Rather, the realization of this right requires the support, protection, and proactive involvement of governments. Without such support, many women would be unable to enjoy the right to education. The dual nature of the right to education implies that a mere focus on gender equality in education is insufficient; it is essential to consider the specific needs and conditions of women in educational policymaking. Neglecting this issue may lead to overlooking gender differences and women's special needs in education, thereby limiting their access to this fundamental right.

Keywords: right to education, women, cultural rights, international human rights law.

Received:	2024/10/14	Article Type:	Research Paper
Revised:	2024/12/04	Published by:	Hazrat-e Masoumeh University
Accepted:	2024/12/24	DOI:	10.22034/CJLS.2024.2043456.1015
Available Online:	2025/01/06		

چارچوب و الزامات فقهی - حقوقی حق آموزش زنان

سیده فاطمه فقیهی^۱، فاطمه امیری^۲

۱. استادیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه حضرت معصومه (سلام الله علیها) قم، ایران،

(نویسنده مسئول) رایانامه: ffaghihi@hmu.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد حقوق بشر، دانشکده حقوق، دانشگاه حضرت معصومه (سلام الله علیها) قم، ایران.

رایانامه: f.amiri.law@gmail.com

چکیده

حق آموزش، به‌ویژه برای زنان، یکی از مباحث بنیادین در حوزه حقوق بشر به شمار می‌رود که با چالش‌ها و فرصت‌های گوناگونی همراه است. زنان نه تنها به‌عنوان نیمی از جمعیت جهانی مطرح هستند، بلکه نقش تعیین‌کننده‌ای در تربیت نسل‌های آینده نیز بر عهده دارند. این مقاله با بررسی اسناد و مقررات مرتبط با حق آموزش زنان، به تحلیل چارچوب‌های قانونی و الزامات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در زمینه فراهم‌سازی این حق پرداخته است. حق آموزش در جمهوری اسلامی ایران، از منظر دینی، باید در چارچوب‌های مشخصی اعمال شود. مقاله حاضر به بررسی دقیق این الزامات و چگونگی اجرای تعهدات دولت در خصوص آموزش زنان می‌پردازد. مطالعه اسناد و مقررات بین‌المللی و داخلی نشان می‌دهد که حق آموزش زنان تنها در قالب تعهدات سلبی یا حقوق مدنی قابل تعریف نیست؛ بلکه تحقق این حق مستلزم حمایت، حفاظت و اقدام فعال دولت‌ها است. بدون این حمایت‌ها، بسیاری از زنان قادر به بهره‌مندی از حق آموزش نخواهند بود. ماهیت دوگانه حق بر آموزش ایجاب می‌کند که صرف تمرکز بر برابری جنسیتی در آموزش کافی نباشد؛ بلکه ضروری است که نیازها و شرایط خاص زنان نیز در سیاست‌گذاری‌های آموزشی مورد توجه قرار گیرد. غفلت از این نکته می‌تواند به نادیده گرفتن تفاوت‌های جنسیتی و نیازهای ویژه زنان در حوزه آموزش منجر شود، و در نتیجه، دسترسی آنان به این حق بنیادین را محدود سازد.

واژگان کلیدی: حق آموزش، زنان، حقوق فرهنگی، قواعد حقوق بشر بین‌المللی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۴ نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۹/۱۴ ناشر: دانشگاه حضرت معصومه (سلام الله علیها)

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۴ DOI: 1015.2043456.22034/CJLS.2024.10

تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۰/۱۷

امروزه علم یکی از مهم‌ترین و قدرتمندترین ابزار در زندگی انسان‌هاست که در تمامی ابعاد زندگی اعم از اقتصادی، اجتماعی، تربیتی و... اثر می‌گذارد. از این رو حق بر آموزش یکی از بنیادین‌ترین حقوق بشر در جهان امروزی است و در اسناد بسیار زیادی دولت‌ها متعهد به اجرا و ایفای این حق برای عموم جامعه می‌باشند. این حق ابزاری مهم برای بهبود کیفیت زندگی بشر است. ابزاری که از طریق آن همگان قادر به آگاهی از دیگر حقوق و مسئولیت‌های خود و استیفای آن می‌شوند و نیز وسیله‌ای ضروری جهت دستیابی به اهداف و موفقیت‌هاست.^۱

حق آموزش و تحصیل زنان از جمله حقوق بنیادین بشری است که در اسناد متعدد بین‌المللی بدان اشاره شده است و جزو وظایف دولت‌ها نسبت به اتباع خود به شمار می‌رود. اکثر دولت‌ها با توجه به اسناد بین‌المللی در زمینه حق همگان بر آموزش به این مهم متعهد شده‌اند و خود را در معرض مسئولیت‌های ناشی از نقض این حق قرار داده‌اند. در این رابطه علاوه بر اسناد مهم حقوق بشر بین‌المللی نظیر اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین که به‌طور عام و کلی بر حق آموزش همه افراد اعم از زن و مرد اشاره دارد، در چهل و یکمین نشست سال ۱۹۹۷، کمیسیون‌های سازمان ملل در مورد حقوق زنان توصیه نموده‌اند که برای دستیابی سریع‌تر و بهتر زنان به حق آموزش و پرورش اقدامات اساسی در تمام برنامه‌ریزی‌های آموزشی صورت پذیرد. در چهارمین کنفرانس جهانی زن که سال ۱۹۹۵ در پکن برگزار شد، ضرورت تضمین دسترسی کامل و برابر زنان به حق تحصیل و آموزش به‌عنوان یکی از ۱۲ موضوعات نگران‌کننده که اقدام فوری دولت‌ها و جامعه بین‌المللی را طلب می‌کند تبیین شده است. کمیسیون سازمان ملل ویژه موقعیت زنان در چهل و یکمین همایش خود در سال ۱۹۹۷، توصیه کرد اقدامات بیشتری در راستای بهبود دسترسی زنان به تحصیل از جمله موردتوجه قرار دادن چشم‌انداز جنسیتی در تمامی سیاست‌ها و برنامه‌ها در بخش تحصیل، آموزش و بازار کار، خواستار تحقیق و پژوهش بیشتر در زمینه‌ی روندهای حق اشتغال، حق کسب درآمد و حق داشتن فرصت‌های آتی برای اشتغال صورت پذیرد.

با این‌همه زنان عهده‌دار نقش‌های متعددی از جمله همسری و مادری هستند که می‌تواند در زمینه‌های گوناگون همچون فرهنگ، آموزش و پرورش، بهداشت، حفاظت از محیط‌زیست، کاهش

۱. به تعبیر «کاترینا توماسوسکی» گزارشگر ویژه پیشین سازمان ملل «مشکلات زیادی از حقوق بشر وجود دارد که قابل حل نیستند، مگر اینکه به حق بر آموزش به‌عنوان کلیدی که تمامی قفل‌های دیگر حقوق بشریت را باز می‌کند، پرداخته شود». (استاماتولو، ۱۳۹۲، ص ۶۷)

میزان جمعیت، افزایش تولید و به دنبال آن بهبود وضعیت اقتصادی، دستاوردهای مثبت و سازنده‌ای بر جای گذاشته و در از بین بردن فقر و حل مشکلات اجتماعی بسیار مؤثر باشد؛ بنابراین به منظور دستیابی به توسعه پایدار باید وضعیت و امکانات زنان را در خانواده مورد توجه قرار داد و زمینه‌های بهبود جایگاه آن‌ها را فراهم کرد. با این حال هنوز هم به‌رغم اهمیت و تأثیر بسزای نقش زنان در توسعه انسانی، آن‌ها نتوانسته‌اند تمام حقوق خود را به دست آورده و از امکانات لازم برخوردار شوند، چنان‌که زنان اکنون، در بسیاری نقاط جهان از تبعیضات فراوان رنج می‌برند و بازتاب تبعیضات در حل نشدن مسائل اجتماعی نمود یافته است. تأکید بر تنوع و تعدد مسائل و موضوعات نشان می‌دهد که نقش آموزشی زنان در خانواده بسیار عمیق‌تر از باوری است که در عموم موارد به آن اشاره می‌شود. به‌علاوه این رسالت همواره رو به گسترش است و با پدید آمدن مسائل جدید، نقش آموزشی پر مسئولیت‌تری بر عهده مادران گذاشته می‌شود. (سجادوند، ۱۳۸۵، ص ۶۶) اگر زنان ما از آگاهی‌های لازم در مسائل فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی برخوردار نباشند، قادر به ادای درست نقش آموزشی خود نخواهند بود. از سوی دیگر، رفتاری که جامعه با زنان و مادران دارد و میزان دستیابی آن‌ها به کرامت و جایگاه انسانی، تأثیر مستقیم بر نسل‌های آینده خواهد داشت. (مسعودیان، ۱۳۹۵، ص ۱۸) دستیابی بر حق آموزش زنان در چارچوب نظام حقوقی و در ارتباط با سایر حقوق فردی و اجتماعی آنان نیازمند فهم صحیح ماهیت این حق و تعهدات دولت در فراهم آوردن امکانات و بستر لازم است که بر پایه نیازها و شرایط جنسیتی آنان شکل گرفته است. این شرایط و اقتضانات در نظام حقوقی ایران به دلیل ماهیت دینی اهمیت و ابعاد دیگری نیز به خود گرفته است که در این مقاله در صدد پرداختن به آن هستیم. فرضیه مورد نظر این است که جمهوری اسلامی ایران در مسیر تدوین قوانین مورد نیاز احقاق حق بر آموزش زنان اهتمام ویژه‌ای نموده و با تدوین قوانین متعدد داخلی موجب استیفای این حق در سطح قابل قبولی شده است به طوری که توانسته شاخصه سوادآموزی زنان را در مقطع ابتدایی به ۹۹ درصد برساند. (محمدی، ۱۴۰۲)

در رابطه با این مسئله تاکنون آثار و منابعی به رشته تحریر درآمده است. محمدی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی تحت عنوان «حق تحصیل زنان در قوانین و مقررات از منظر حقوق عمومی» میزان بهره‌مندی زنان در هر کشور را از شاخصه‌های توسعه‌یافتگی آن کشور در نظر گرفته و بر این باورند که زنان در جامعه همانند مردان از حق آموزش رایگان برخوردارند. از این‌رو با لحاظ حاکمیتی بودن مصالح آموزش و تربیت نسل، بر دولت‌ها به‌عنوان متکفلان اصلی مصالح عمومی کشوری لازم است تا با تلاش در جهت ایجاد مساوات میان زنان و مردان و با تدوین قوانین جامع و مانع موجبات حصول حق بر آموزش زنان را فراهم سازند. علی‌بخش زاده و همکاران (۱۴۰۱) نیز

در پژوهشی تحت عنوان «بررسی حق آموزش زنان در فقه و حقوق ایران و سند ۲۰۳۰ یونسکو» انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که با تبیین نگرش فقه اسلامی، قوانین حاکم در ایران و رکن دوم از هدف پنجم سند ۲۰۳۰ که از مهم‌ترین اهداف جزئی توانمندسازی همه زنان و دختران، می‌باشد؛ که حق آموزش و تحصیل و برخورداری از فرصت‌های برابر (تساوی جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران) را برای آنان در نظر داشته است، می‌توان به این مهم دست یافت. صلگی و کریمی (۱۳۹۸) پژوهشی تحت عنوان «سند آموزش ۲۰۳۰ جمهوری اسلامی ایران و حق آموزش زنان» انجام دادند به تمایزات حق آموزش زنان در سند آموزش ۲۰۳۰ و جمهوری اسلامی ایران و اسناد داخلی پرداخته‌اند. با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته هرچند نکات مثبتی در بحث حق آموزش زنان مطرح شده اما مشخص نیست ارتباط حق آموزش زنان با برخی از ارزش‌های دینی و اسناد بالادستی چگونه خواهد بود. از این‌رو تحلیل ماهیت حق آموزش زنان از بعد تعهدات دولت و مبانی دینی و قانون اساسی و ارتباط آن با دیگر حقوق انسانی موضوعی است که در آثار قبل بدان پرداخته نشده است و ابعاد جدید و نو در این مقاله می‌باشد. برنامه‌ریزی و اقدامات متناسب دولت با توجه به چارچوب نظام حقوقی و نیازها و مصالح جامعه باید صورت پذیرد به گونه‌ای که در عین دستیابی بدون تبعیض به امکانات آموزشی برای زنان، آموزش‌های لازم برای حل مسائل جامعه و توانمندسازی ایشان از طریق راهبردهای عملی و سیاست‌های کارآمد در نظام آموزشی بر پایه اسناد بالادستی و قوانین مربوطه انجام پذیرد.

۱. ماهیت حق آموزش زنان: حقی طبیعی و دینی

در آموزه‌های اسلامی، دانش طلبی نه تنها یک حق بلکه وظیفه است که بر تمامی افراد جامعه، از جمله زنان و مردان، مقرر شده است. احادیثی مانند «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ» (مجلسی، ج ۶۷، ص ۶۸) نشانگر تأکید اسلام بر اهمیت آموزش برای همه افراد جامعه، فارغ از جنسیت، می‌باشد. در طول تاریخ، زنان مسلمان در عرصه‌های مختلف علمی و فرهنگی نقش‌های کلیدی ایفا کرده‌اند و در سیره پیامبر اسلام و اهل بیت (علیهم‌السلام) نمونه‌های فراوانی از زنان دانشمند و معلم دیده می‌شود. (ر.ک به: جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص ۲۳۹؛ الهامی، ۱۳۷۸) هرچند متأسفانه ذکر آثار و شرح احوال زنان عالم و دانشمندی که در گذشته در عرصه علم و فرهنگ حضور داشتند با بی‌توجهی همراه بوده و به صورت مبهم و کمرنگ گزارش شده است. (فتاحی زاده، ۱۳۸۶، ص ۲۱۹) ابن طیفور جمعی از زنان پیشتاز در عرصه فصاحت و بلاغت را با ذکر نمونه‌ای از سخنانشان معرفی کرده است. کتاب «الدر المنثور فی طبقات ربات الخدور» نیز به معرفی زنان برجسته در اعصار مختلف پرداخته است. ابن اثیر در «اسد

الغابه» به شرح احوال زنان صحابه رسول خدا پرداخته که هر یک از علوم مختلف بهره‌مند بوده‌اند. (ابن اثیر، ۱۹۷۰ م، ج ۵، ص ۳۸۹-۶۴۳) ابن حجر از ۱۵۵۲ زن محدثه نام برده و علم و وثاقت آن‌ها را تأیید کرده است. (ابن حجر، ج ۵، ص ۲۱۹-۴۸۳) خطیب بغدادی نیز در تاریخ بغداد نووی برخی مراکز علمی بانوان را خود برشمرده است. (شحاته، بی تا ص ۸۰) این بدان معناست که اسلام فرصت‌های مناسبی برای رشد و تعالی فکری زنان فراهم کرده است و زنانی نیز در این عرصه موفق و پیشتاز بوده‌اند. ناآگاهی زنان مسلمان در دوره‌های مختلف ناشی از انحرافی است که در جوامع اسلامی پیش آمده و آنان را از سنت صحیح اسلامی باز داشته است. (فتاحی زاده، ۱۳۸۶، ص ۲۲۱) به‌طور مثال تأسیس مدارس دخترانه در سال ۱۲۸۵ با مخالفت شدید جامعه مذهبی و بسیاری از روحانیون مواجه شد. (بامداد، ۱۳۴۸، ص ۴۰-۴۸) بر اساس اسناد، علما و جامعه مذهبی به‌صورت کلی مدارس جدید را طرحی استعماری و ضد اسلامی می‌دانستند و آن را عامل ترویج فرایند غرب‌گرایی معرفی می‌کردند که به دنبال از بی نبردن دین‌محوری و ایجاد نفرت از اسلام و علما است. (کسروی تبریزی، ۱۳۷۶، ص ۴۳۳-۴۳۵) ظاهراً دلیل مخالفت با تحصیل دختران در این دوره نه منع شرعی تحصیل زنان بلکه سیاست‌های ضد دینی و استعماری پشت پرده تأسیس این مراکز بوده است. باوجوداینکه تلاش می‌شود کمبود سهم زنان مُحصِّل در اکثر کشورهای اسلامی، ناشی از فرهنگ دینی و اسلامی قلمداد شود، اما تجربه ایران در رشد تحصیلی زنان پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تلاش بی‌وقفه برای بهبود این وضعیت، نشان‌دهنده آن است که این دیدگاه، تنها حاصل تفکری افراطی و انحرافی است و فرهنگ ناب اسلامی، نه تنها مانعی برای رشد زنان در این عرصه نیست بلکه عاملی مناسب و بستر بکر و بالنده‌ای برای فتح بلندترین قله‌های علم و دانش و فناوری توسط آنان محسوب می‌شود.

هر صورت حق آموزش و تحصیل، از حقوق اولیه و طبیعی انسانی محسوب شده و هیچ ارتباطی با زنانگی و مردانگی ندارد. اسلام نیز با نگرش متین و متقن خود، برای حق تحصیل و آموزش همه‌ی انسان‌ها، اعم از مرد و زن، ارزش بسیار ویژه‌ای قائل شده است.^۱ البته باید توجه

۱. آیاتی نظیر «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (مجادله، ۱۱) و «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (بقره، ۱۵۱) و احادیثی نظیر «اطلبوا العلم و لو بالصَّيْن» دانش بجوید هرچند در چین باشد، یا «اطلبوا العلم و لو يَخْوَصُ اللَّجَجِ وَ سَقَّ الْمُهْجِ» دانش بجوید هرچند با فرو رفتن در گرداب‌ها و در خطر افتادن جان‌ها همراه باشد؛ بر لزوم کسب دانش (به‌طور مطلق) ولو در دورترین نقاط در شرایط سخت تأکید کرده است. (مجلسی، ج ۱، ص ۱۷۷؛ حلوانی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۰۸؛ دیلمی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۰۳) خطاب این آیات و روایات عام است و مشمول همه افراد اعم از زن و مرد است. برخی عمومات و کلیات از تخصیص ابا دارد و لحن و بیان به گونه‌ای است که قابل تخصیص نیست.

داشت که مراد از حق یکسان در تعلیم و آموزش این نیست که ضرورتاً نوع آموزش و اهداف آن نیز در همه‌ی موارد، برای زن و مرد یکسان باشد. در این مورد نیز باید بر اساس ویژگی‌های روحی و جسمی زن و مرد، نوع آموزش و هدف آن تعیین شود و تنها در این صورت است که حقوق طبیعی و فطری آن‌ها رعایت می‌شود. تحصیل علم و کسب دانش نیز از احکامی است که زن و مرد در آن مشترک می‌باشند و دین اسلام جنس را مانعی برای دانش‌اندوزی نمی‌داند.

در خصوص حق تحصیل زنان در احکام فقهی با حفظ جهات شرعی منعی برای تحصیل و آموزش زنان وجود ندارد. (استفتانات امام خمینی، ج ۱۰، سؤال ۱۲۶۸۳) تعلیم برخی از علوم در دین اسلام واجب عینی است، (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی‌خامنه‌ای، ۱۳۹۳) و یادگیری برخی دیگر از علوم برای خاصّ زنان سفارش شده است و توصیه به آموزش شده است.^۱ از آنجاکه کسب علم برای عمل به احکام ذی‌المقدمه است پس مقدمات کسب علم نیز واجب است جستجو و تحصیل علم نیز بر هر مسلمانی واجب است و جنسیت پذیر نیست و این خود دلیلی بر پذیرش حق آموزش زنان در اسلام هست. قواعد فقهی چون: اهم و مهم، تلازم بین حکم عقل و شرع، مقدمه واجب و امر آمر به انتفای شرط، به اثبات حق کسب آموزش و تحصیل علوم نافع با شرایطی که در آموزه‌های دین اسلام آمده است؛ برای قشر زنان در جامعه اسلامی اشاره دارد. (بخش زاده، گرمودی ثابت، انتخابیان، ۱۴۰۱) در استفتاناتی که از مراجع عظام تقلید در خصوص آموزش زنان صورت گرفته ممنوعیتی در این باب وجود ندارد.^۲

(مطهری، ۱۳۵۱، ص ۱۵۱-۱۵۴) و اگر بگوییم که تعلیم به مردان اختصاص دارد، الزم است که در دیگر موارد نیز زنان از کلی احکام و فرایض معاف باشند (عظیم زاده اردبیلی، ۱۳۸۸)

۱. و قال النبی (صلی الله علیه و آله) لا تترکوا نساءکم الغرف، و تعلّموهنّ الكتابة و لا تعلّموهنّ سورة یوسف و علّموهنّ المغزل و علّموهنّ سورة النور؛ زنان را در اطاقهایی که مشرف بر منزل همسایه است جای ندهید، نوشتن به آنان آموزش دهید، ولی سوره یوسف را آموزششان ندهید، بلکه سوره نور و بافتنی به آنها آموزش دهید. (طبرسی، فضل بن حسن، الآداب الدینیة للخزانة المعینیة، ج ۱، ث ۱۱۴ به نقل از الکافی ج ۵، ص ۵۱۶ و من لایحضره الفقیه ج ۳، ص ۲۸۰) اندیشمندانی چون سید جمال الدین (المصلح المفتری علیه، ۱۴۹) شیخ محمد عبده (الاعمال الکامله، ج ۴، ص ۶۳۱) رشید رضا (نداء للجنس اللطیف، ۱۰) و عباس محمود عقاد (المرآة فی القرآن، ۷۳) به ضرورت آموزش زنان در حیطه وظایف و مسئولیت‌های مادری و همسری و آن چه که به بهبود وضع زندگی ایشان به لحاظ شرایط بهداشتی، اقتصادی اجتماعی و فرهنگی بینجامد معتقدند. از نظر این افراد آموزش سایر علوم و دانش‌ها در صورتی که با مسئولیت‌های زنان تزامم و تعارض نداشته باشد و به شئون علمی و اعتقادی لطمه نزند امری مطلوب و پسندیده است.

۲. آیا درس خواندن زنان در دانشگاه جایز است؟ در صورتی که در دانشگاه امکان پوشانیدن چهره و دست‌ها نیست و لازم است که با استادا که تقریباً همه شان مرد هستند، در تماس باشد و در کلاس‌هایی که دخترها و پسرها با هم

۲. حق آموزش زنان در چارچوب اسناد بین‌المللی حقوق بشر

در بسیاری از کشورهای دنیا تا سده‌ی نوزدهم میلادی، حق آموزش زنان را منکر می‌شدند. از اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰، مسائل مربوط به مشارکت زنان در فرایند برنامه‌های آموزش عالی و توسعه‌ی ملی در دستور کار سازمان‌های آموزشی و عمرانی بسیاری از کشورهای جهان قرار گرفت. از نیمه‌ی دوم سده‌ی هجدهم با شکل‌گیری نهضت فمینیسم اصولاً مسئله‌ی زن و مرد از نظر مراتب دانش و هنر و آزادی آنان به کلی حل شد، به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم زنان غربی توانستند با تلاش خود این حق را برای خود تثبیت کنند به‌گونه‌ای که در متون قانون اساسی کشورهای غربی این حق برای هر فردی از جامعه اعم از زن و مرد به رسمیت شناخته شده است. (عظیم‌زاده اردبیلی و خسروی، ۱۳۸۸، ص ۵۶)

ازاین‌رو در اسناد بین‌المللی حقوق بشر به آموزش توجه زیادی شده و از آن به‌عنوان یکی از حق‌های اساسی بشریت یاد شده است و دولت‌ها متعهد به اجرا و ایفای این حق برای عموم جامعه می‌باشند. (فضایلی، ۱۳۸۷، ص ۴۱) آموزش باید برای همه به‌ویژه برای گروه‌های آسیب‌پذیرتر، هم به لحاظ قانونی و هم در عمل، بدون تبعیض مبتنی بر دلایل ممنوعه قابل دسترسی باشد. (کریون، ۱۳۸۶، ص ۲۱) بسیاری از اسناد بین‌المللی حقوق بشر حق آموزش را به‌طور برابر برای همه افراد در نظر گرفته‌اند. از جمله این اسناد عبارت‌اند:

۲-۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)

مهم‌ترین سند بین‌المللی که حق آموزش را به‌عنوان حق بنیادین بشر تأیید و حمایت کرده، اعلامیه جهانی حقوق بشر است. این اعلامیه که در دهم دسامبر ۱۹۴۸ تصویب شده، آموزش را حق همه انسان‌ها می‌داند و تأکید دارد که باید آموزش‌های ابتدای اجباری باشد و به‌صورت رایگان برای همه افراد بدون در نظر داشت جنسیت فراهم شود. همچنان این اعلامیه در بخش آموزش‌های متوسطه، عالی و تخصصی بیان می‌دارد که این آموزش‌ها باید برای همه افراد قابل دسترس باشد و دولت‌ها مکلف به فراهم کردن زمینه این آموزش‌ها باشند. (UN, 1948)

هستند شرکت کند و سرویس‌های دانشگاه را که مختلط است و بیشتر اوقات خیلی شلوغ است، سوار شود و

امثال این؛ و از طرفی هم الآن و هم در آینده، با داشتن مدرک برای دبیر بودن، امکان تبلیغ اسلام و حتی الامکان جلوگیری از انحرافات باشد و اکنون برای خودش فساد به همراه نداشته باشد.

بسمه تعالی، با فرض عدم مفسده و مراعات حجاب اسلامی و سایر وظایف مانع ندارد.

آیا زن می‌تواند علوم اسلامی را تحصیل نماید و به مقام اجتهاد برسد؟

بسمه تعالی، تحصیل علم برای عموم آزاد است. (استفتانات امام خمینی، ج ۱۰، ص ۷۰۲)

۲-۲. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی (۱۹۶۶)

ماده ۱۳(۲) از میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به تعهد دولت‌ها در قبال حق بر آموزش زنان می‌پردازد. دولت‌های عضو، تعهداتی فوری در زمینه حق بر آموزش دارند، مانند تضمین اینکه این حق بدون هیچ نوع تبعیضی اعمال خواهد شد در همین زمینه در ماده ۲ بند ۲ میثاق آمده است: «دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند تضمین نمایند که حق‌های مذکور در میثاق حاضر بدون هیچ‌گونه تبعیضی از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا عقیده دیگر، منشأ ملی یا اجتماعی، وضعیت مالکیت، تولد یا هر وضعیت دیگر اعمال می‌گردد.» در مورد تحقق کامل ماده ۱۳ نیز می‌توانیم به ماده ۲ بند ۱ اشاره کنیم، این اقدامات باید سنجیده، ملموس و هدفمند در پی تحقق کامل حق بر آموزش باشد. (UN, 1966) تحقق تدریجی به این معناست که کشورهای عضو، تعهدی خاص و مستمر دارند تا با نهایت شتاب و کارایی ممکن در جهت تحقق کامل ماده ۱۳ حرکت کنند. کمیته در تفسیریه شماره ۳ خود از تعهد هسته‌ای حداقلی دولت‌ها برای تأمین دست‌کم حداقل سطوح ضروری از هر یک از حق‌ها صحبت می‌کند (ذاکریان، ۱۳۹۱، ص ۳۹)

۲-۳. کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹)

در این زمینه کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان در ماده ۱۰ مقرر می‌دارد: دولت‌های عضو تمام اقدام‌های لازم برای رفع هرگونه تبعیض علیه زنان و تضمین حقوق مساوی آنان با مردان در زمینه آموزش مخصوصاً در موارد زیر را اتخاذ می‌نمایند:

الف) شرایط مساوی برای هدایت شغلی و حرفه‌ای، دسترسی به تحصیل، اخذ مدرک از مؤسسات آموزشی در همه سطوح مختلف در مناطق روستایی و شهری، این تساوی باید شامل دوره‌های پیش‌دبستانی آموزش عمومی، فنی، حرفه‌ای و آموزش عالی فنی و نیز هر شیوه دیگر کارآموزی شغلی بشود.

ب) امکان دسترسی به برنامه درسی، آزمون‌ها، کادر آموزشی، اماکن تحصیلی و تجهیزات آموزشی که در همه آن‌ها از کیفیت و معیارهای مساوی با مردان برخوردار باشد.

ج) محو هر نوع مفهوم تقلیدی و کلیشه‌ای از نقش زنان و مردان در تمام سطوح و تمام اشکال مختلف آموزشی با تشویق آموزش مختلط پسر و دختر و دیگر انواع روش‌های آموزشی که دستیابی به این هدف را ممکن سازد مخصوصاً با تجدیدنظر در متون کتب درسی و برنامه‌های مدارس و تعدیل و تطبیق روش‌های آموزشی.

د) اعطای فرصت یکسان برای استفاده از بورس‌ها و دیگر مزایای تحصیلی.
 ه) فرصت‌های یکسان برای دستیابی به برنامه‌های تداوم آموزش، از جمله برنامه‌های عملی
 سوادآموزی بزرگسالان و حرفه‌ای مخصوصاً برنامه‌هایی که هدف آن‌ها کاهش هر چه
 سریع‌تر فاصله آموزشی موجود بین زنان و مردان است.
 و) کاهش تعداد دختران دانش‌آموزی که ترک تحصیل می‌کنند و برنامه‌ریزی برای زنان و
 دخترانی که قبلاً ترک تحصیل کرده‌اند.
 ز) دادن فرصت مناسب به زنان برای شرکت فعال در ورزش و تربیت بدنی.
 ح) دسترسی به آموزش‌های خاص تربیتی که سلامتی و تندرستی خانواده را تضمین می‌نماید
 و از جمله اطلاعات و مشورت‌های مربوط به تنظیم خانواده. (UN, 1979)

۲-۴. اقدامات یونسکو علیه تبعیض در آموزش

سازمان تخصصی یونسکو نیز بر اساس و بر پایه هدف حق بر آموزش و پرورش به وجود آمده است.
 بیشتر از سازمان دیگر، یونسکو به مسئله حق بر آموزش پرداخته است و در همین راستا
 کنوانسیون‌های متعددی را به تصویب رسانده است. (موسی زاده، ۱۳۸۸، ص ۲۳۹) برخی از این
 موارد بر حق بر آموزش زنان و عدم تبعیض بین زنان و مردان اشاره داشته و به شرح زیر می‌باشد:

۱. کنوانسیون علیه تبعیض در آموزش (۱۹۶۰) (UNESCO, 1960)
۲. پروتکل بنیان‌گذاران مصالحه و کمیسیون مساعی جمیله جهت توافق هر نوع نزاع احتمالی
 ما بین کشورهای عضو برخاسته از کنوانسیون علیه تبعیض در آموزش (۱۹۶۲)
 (UNESCO, 1962)
۳. کنوانسیون آموزش فنی و حرفه‌ای (۱۹۸۹) (UNESCO, 1989)
 همچنین این سازمان توصیه‌نامه‌های زیادی در زمینه حق بر آموزش داشته است که به شرح
 زیر می‌باشد:
۱. پیشنهاد علیه تبعیض در آموزش (۱۹۶۰) (UNESCO, 1960)
۲. پیشنهاد درباره وضعیت معلمان (۱۹۶۶) (UNESCO, 1966)
۳. پیشنهاد درباره آموزش جهت درک، مشارکت و صلح بین‌المللی و آموزش مربوط به
 حقوق بشر آزادی‌های اساسی (۱۹۷۴) (UNESCO, 1974)
۴. پیشنهاد درباره توسعه آموزش بزرگسالان. (UNESCO, 1976)
۵. پیشنهاد درباره وضعیت تحصیل عالی پر سنل آموزشی (۱۹۹۷) (UNESCO, 1997)

۶. پیشنهاد اصلاحی درباره آموزش فنی و حرفه‌ای (۲۰۰۱) (UNESCO,2001)

قواعد حاکم بر حق بر آموزش در یونسکو به شرح ذیل می‌باشد:

الف) آموزش ابتدایی اجباری و رایگان

مسئلاً یونسکو که سازمانی تخصصی برای اهداف حق بر آموزش می‌باشد به‌طریق اولی بر اجباری و رایگان بودن آموزش ابتدایی تأکید فراوان داشته است. در همین راستا یونسکو اسناد گوناگونی در زمینه آموزش مهیا کرده است که همگی دال بر رسیدن به اهداف حق بر آموزش می‌باشد.

ب) عدم تبعیض در آموزش از مهم‌ترین مسائلی که یونسکو به آن تحت عنوان کنوانسیون‌ها و توصیه‌نامه‌ها پرداخته است، عدم تبعیض در آموزش می‌باشد.

ج) استفاده از زبان اقلیت‌ها در آموزش

همین کنوانسیون در ماده ۵ به حق اقلیت برای استفاده از زبان خودشان در تدریس در آموزش تأکید دارند.

د) قواعد حاکم بر حق بر آموزش برای پناهندگان ماده ۲۰ کنوانسیون ۱۹۵۱ به‌حق بهره‌مندی از آموزش ابتدایی برای پناهندگان می‌پردازد و قوانینی که بر حق بر آموزش ابتدایی آنان بنا می‌نهد به موارد ذیل اختصاص می‌یابد:

ه) حق بهره‌مندی از آموزش ابتدایی همسان با اتباع کشور میزبان

و) حق بهره‌مندی از آموزش متوسطه و بالاتر حداقل همسان با دیگر بیگانگان مقیم در آن کشور (زارعی هدی، ۱۳۹۳، ص ۸۹)

۲-۵. اهداف توسعه پایدار سازمان ملل (۲۰۱۵)

هدف چهارم از اهداف توسعه پایدار که در سال ۲۰۱۵ توسط سازمان ملل متحد تصویب شد، به تضمین آموزش با کیفیت برابر و فراگیر برای همه اشاره دارد. این هدف به‌طور ویژه به برابری جنسیتی در آموزش پرداخته و تأکید می‌کند که دختران و پسران باید به‌طور برابر به آموزش‌های با کیفیت و فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر دسترسی داشته باشند. هدف پنجم این اسناد نیز برابری جنسیتی و توانمندسازی تمامی زنان و دختران را هدف قرار داده است. باین‌وجود هنوز چالش‌های جدی فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و نیز فقدان زیرساخت‌های مناسب آموزشی در مسیر دستیابی زنان به این حق در بسیاری از کشورها وجود دارد. در مناطق جنگ‌زده یا تحت سلطه گروه‌های افراطی (مانند افغانستان، نیجریه) دختران با محرومیت برای ادامه تحصیل مواجه هستند.

۳. انواع تعهدات دولت‌ها در احترام، حمایت و اقدام به حق آموزش زنان

با توجه به متن میثاق، کشورهای عضو تعهدات گسترده‌ای به ایفای حق بر آموزش دارند، ولی میزان این تعهد در همه‌ی مقاطع آموزشی یکسان نیست. نقش دولت‌ها در رابطه با حق آموزش نقشی سه‌گانه است. اول تعهد به احترام، دولت‌های عضو را ملزم می‌سازد از اقداماتی که مانع یا بازدارنده‌ی بهره‌مندی از حق بر آموزش برای زنان است اجتناب نمایند. دوم تعهد به حمایت، دولت‌های عضو را ملزم به اتخاذ اقداماتی می‌کند که طرف‌های ثالث را از مداخله در بهره‌مندی از حق بر آموزش زنان باز می‌دارد. (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۱، ص ۶۹) سوم تعهد به ایفاء (تسهیل) کشورهای عضو را ملزم می‌کند اقداماتی ایجابی اتخاذ کنند که زنان را قادر سازد تا از حق بر آموزش برخوردار شوند. به‌عنوان قاعده‌ای کلی، دولت‌های عضو تعهد دارند هنگامی که فرد یا گروهی قادر نیست به دلایلی خارج از کنترل خود با ابزاری که در اختیار دارد، حق خاص مقرر در میثاق را، خود، محقق سازد، آن حق را ایفا (تأمین) نماید. (رفیعی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۰) در این خصوص دو ویژگی ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی نیاز به توضیح دارد:

اول آنکه، روشن است که این ماده دولت‌ها را دارندگان مسئولیت اصلی در قبال تأمین مستقیم آموزش در اکثر وضعیت‌ها می‌داند. دوم، با توجه به عبارات متفاوت ماده ۱۳(۲) در مورد آموزش ابتدایی، متوسطه، عالی و بنیادی، حدود و پارامترهای تعهد دولت عضو به ایفاء در همه‌ی سطح آموزشی یکسان نیست.

دولت‌ها باید فرصت‌های «برابر» به همه اقشار جامعه بدون هیچ‌گونه تبعیضی جهت دستیابی به آموزش عالی قرار دهند. همه‌ی جامعه از جمله زنان و اقلیت‌ها باید از امکانات و فرصت برابر با دیگران برخوردار باشند؛ اما به نظر می‌رسد عنصر «لیاقت» از یک‌جهت معیاری برای دستیابی دانش‌آموزان مستعد و نخبه به آموزش‌های بیشتر و از طرف دیگر رسیدن دولت‌ها به اهداف تربیت دانش‌آموزان مستعد در زمینه‌های تخصصی مختلف می‌باشد. (زارعی‌هدک، ۱۳۹۳، ص ۶۷) دولت‌های عضو بایستی در دستگاه‌های قانون‌گذاری و اداری در جهت اجرای این قواعد گام‌های ضروری بردارند. در مجموع توسعه فعال زیرساخت‌های نظام آموزشی از جمله ساخت کلاس‌های درسی، تأمین مواد درسی موردنیاز، تربیت معلم و... اقدامات ایجابی است که از سوی دولت‌ها در تحقق این حق باید صورت پذیرد.

۴. الزامات قانونی حق آموزش زنان در چارچوب نظام جمهوری اسلامی ایران

باوجود تأکید و ضرورت حق آموزش زنان به‌عنوان یک حق طبیعی و بنیادی اجرای این حق در

چارچوب نظام حقوقی و در ارتباط با سایر حقوق قانونی مستلزم مواردی است که شرایط اجرای این حق را در قوانین و سیاست‌گذاری‌ها مشخص باید مدنظر قرار گیرد. این الزامات برخاسته از چارچوب کلی نظام قانونی و مبانی دینی است که در ادامه بدان اشاره خواهد شد.

۴-۱. حق آموزش زنان در قانون اساسی

در قانون اساسی جمهوری اسلامی، زن در اصول متعددی مورد توجه قرار گرفته و بر برابری حقوقی زنان و جایگاه بلند انسانی آنان تأکید شده است. اصل سوم قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف نموده حقوق همه‌جانبه افراد اعم از زن و مرد و تساوی عموم در برابر قانون را تأمین نماید. همچنین بر رفع تبعیض ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای زن و مرد در تمام زمینه‌های مادی و معنوی تأکید دارد. در این اصل بر مشارکت زنان در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش اشاره شده و تسهیل و تعمیم آموزش عالی و آموزش و پرورش و تربیت بدنی برای همه چه زن و مرد در تمام سطوح را از وظایف دولت شمرده است. علاوه بر این اصل ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ قانون اساسی نیز به‌طور ضمنی، به حقوق برابر از جمله حق آموزش زنان اشاره دارد. این اصول فراگیر تمام محدودیت‌ها و تزییقات نامعقول را در برخورداری از حقوق و آزادی‌ها، از پیش پای ملت برداشته و راه را برای هرگونه توجیه تبعیض آمیزی بسته است، بنابراین هیچ محدودیت قانونی برای آموزش و پرورش از نظر سن، جنس، مسلک یا عقیده دینی وجود ندارد. به‌موجب اصل ۲۰ «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند» حق آموزش نوعی حق انسانی و فرهنگی است که زنان باید از آن برخوردار باشند. بر این اساس در جامعه‌ی اسلامی هم، علم و دانش در انحصار افراد خاصی نیست و همه‌ی مردم در این زمینه متساوی الحقوق هستند. (گرگی، ۱۳۷۸، ص ۳۶)

در اصل ۳۰ قانون اساسی نیز به‌طور ویژه بیان شده که تسهیلات و وسایل آموزش و پرورش باید برای عموم رایگان باشد. بر اساس این اصل، دولت موظف است وسایل را چنان فراهم کند که هیچ‌کس به علت نداشتن قدرت مالی یا ارتباط و آشنایی با مسئولین امر، از پیمودن تمامی مراحل آموزش عالی محروم نماند. در اصل ۳۰ قانون اساسی آمده است: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه‌ی ملت تا پایان دوره‌ی متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد» بنابراین، این وظیفه‌ی دولت جمهوری اسلامی است که موجبات و وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه‌ی افراد

مردم تا پایان دوره‌ی متوسطه فراهم کند و وسایل تحصیلات عالی را نیز گسترش دهد تا کشور در این زمینه به خودکفایی برسد؛ بنابراین طبق قانون اساسی ایران نیز احدی را نمی‌توان از امر تحصیل بازداشت. (هاشمی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۰)

در اصل ۲۱ نیز دولت به ایجاد زمینه‌های مربوط به رشد شخصیت زن از جهت علمی و اخلاقی و زنده کردن حقوق او به آنچه در رژیم طاغوت فراموش شده بود، موظف شده است که این امر هم در حقوق مادی و هم در حقوق معنوی زنان صورت می‌گیرد. از آنجاکه حق آموزش یکی از حقوق معنوی زنان است، دولت در ایجاد زمینه‌ی لازم برای تحقق و اجرای حق، مسئولیتی مهم بر دوش دارد؛ اما باید توجه داشت تمامی اصول اشاره‌شده می‌بایست در حدود موازین شرعی با رعایت اصل ۴ و اصل ۱۰ قانون اساسی اجرا شود. به موجب اصل ۴ همه اصول قانون اساسی از جمله رعایت حق آموزش نباید برخلاف موازین شرعی باشد. رعایت موازین شرعی هم در خصوص محتوای آموزشی است و هم اسباب و راه‌های کسب علم ضروری است.

در مقدمه قانون اساسی تأکید شده که زن در نظام جمهوری اسلامی از «حالت شیئی یا ابزار بودن در خدمت اشاعه مصرف‌زدگی و استثمار خارج‌شده و از شأن و کرامت والا برخوردار است» به موجب اصل ۱۰ قانون اساسی نیز همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوطه باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد، تعهدات دولت در زمینه فراهم کردن شرایط آموزش برای زنان باید در چارچوب حفظ خانواده و موارد مطرح‌شده در اصل ۱۰ انجام گیرد. بدین صورت که برنامه‌ریزی آموزشی و محتوای دروس نباید به گونه‌ای باشد که منجر به از بین رفتن روابط خانوادگی و تضعیف یا نادیده گرفتن نقش‌های همسری و مادری زنان باشد. برای اجرای این مهم ضروری است برای آموزش زنان حمایت‌هایی از سوی دولت فراهم شود که حق آموزش زنان در تزامن با اصل ۱۰ قانون اساسی و وظایف خاص زنانه ایشان و حقوق اعضای خانواده به‌ویژه زوجه قرار نگیرد. کاهش دوره تحصیل، برخورداری از مرخصی تحصیلی در ایام بارداری و زایمان، ایجاد مراکز نگهداری کودکان و مهدکودک در محیط‌های آموزشی، ایجاد شرایط لازم برای تحصیل بانوان در شهر محل سکونت، بهره‌مندی از امکانات آموزش از راه دور و... برخی از تمهیداتی است که می‌تواند به تأمین حق آموزش زنان در چارچوب رعایت اصل ۱۰ قانون اساسی مؤثر باشد.

از مجموع اصول قانون اساسی می‌توان چارچوبی را برای حق آموزش زنان ارائه کرد. اصل اولی حاکم بر آموزش آزادی آموزش و برخورداری از فرصت‌های برابر و بدون تبعیض است. این اصل مشروط به برخی ضوابط است که در ذیل بدان اشاره می‌شود:

- اول: رعایت موازین شرعی در آموزش هم به لحاظ محتوای درسی و هم سازوکار و شیوه آموزش
- دوم: حفظ شأن و کرامت انسانی زنان به گونه‌ای که آموزش‌ها منجر به نگار استثمار گونه و ابزار قرارداد زنان برای مقاصد شوم نگردد.
- سوم: حفظ کیان خانواده و تقویت روابط خانوادگی و ارائه آموزش به گونه‌ای که منجر به تحقق چارچوب اصل ۱۰ قانون اساسی باشد. برخی رشته‌ها با وظایف و نقش‌های زنان به‌عنوان مادری و همسری معارض است و آموزش زنان مستلزم حضور در محیط‌هایی است که کانون خانواده را سست می‌کند یا مانعی برای ادای وظایف مادری است
- علاوه بر اصول قانون اساسی در حوزه آموزش زنان نیز، در راستای اجرای بند اول اصل ۱۱۰ قانون اساسی برخی سیاست‌های کلی ابلاغی به آموزش زنان و دختران اشاره دارند یا به‌طور ضمنی آن‌ها را در بر می‌گیرند. موارد زیر از جمله مهم‌ترین اشارات و تأکیدات در این زمینه هستند:

عنوان سیاست‌های کلی	مفاد مربوط به آموزش زنان
سیاست‌های کلی نظام در زمینه خانواده (مصوب ۱۳۹۵)	در این سیاست‌ها، بر لزوم تقویت نقش مادری و همسری زنان تأکید شده است، که به‌طور غیرمستقیم شامل آموزش و تربیت زنان در جهت ایفای این نقش‌ها نیز می‌شود. هم‌چنین توسعه و ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی، که شامل تربیت و آموزش زنان در زمینه‌های مرتبط با خانواده و جامعه است. حمایت از زن در ایفای نقش‌های مادری و تربیت نسل صالح و توسعه و تقویت خدمات مشاوره‌ای و آموزشی مرتبط.
سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش (مصوب ۱۳۹۲)	با تأکید بر تحول در برنامه‌های درسی و محتوای آموزشی به‌منظور ارتقای جایگاه تعلیم و تربیت دختران، و تقویت هویت اسلامی و انقلابی در میان دانش‌آموزان و توسعه و بهبود کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای
سیاست‌های کلی نظام در بخش علم و فناوری (مصوب ۱۳۹۳)	توجه به ارتقای توانمندی‌های علمی و پژوهشی زنان، باهدف افزایش حضور آنان در عرصه‌های علمی و فناوری و توسعه و گسترش آموزش‌های مرتبط با علوم انسانی و اسلامی، که شامل برنامه‌هایی برای آموزش دختران در این حوزه‌ها نیز می‌شود.

عنوان سیاست‌های کلی	مفاد مربوط به آموزش زنان
سیاست‌های کلی اشتغال (مصوب ۱۳۸۹)	با تأکید بر توسعه مهارت‌ها و توانمندی‌های زنان برای اشتغال در عرصه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی، که مستلزم فراهم‌سازی فرصت‌های آموزشی مناسب برای زنان است.
سیاست‌های کلی جمعیت (مصوب ۱۳۹۳)	با هدف ترویج و تقویت بنیان خانواده و افزایش سطح آموزش‌های مرتبط با مسائل خانواده و نقش‌های مادری برای دختران و زنان.
سیاست‌های کلی سلامت (مصوب ۱۳۹۳)	با تأکید بر ارتقای سلامت زنان با تأکید بر سلامت جسمی، روانی و اجتماعی، که آموزش‌های مرتبط با سلامت و بهداشت زنان را نیز شامل می‌شود.

این سیاست‌ها نشان‌دهنده اهمیت ویژه‌ای است که نظام جمهوری اسلامی ایران به آموزش و توانمندسازی زنان و دختران قائل است. توجه به نقش‌های خانوادگی، اجتماعی و حرفه‌ای زنان و تأکید بر ارتقای سطح علمی و فرهنگی آنان، در چارچوب این سیاست‌ها مطرح شده و راهبردهای کلانی برای توسعه آموزش زنان ارائه شده است.

۴-۲. حق آموزش زنان در سایر قوانین و مقررات

در نظام جمهوری اسلامی ایران در اجرای تعهدات دولت در زمینه آموزش زنان اقداماتی صورت گرفته و برخی مراکز آموزشی ویژه بانوان تأسیس گردیده است.^۱ براساس آیین‌نامه شورای اسلامی شدن دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی، مصوب جلسه ۴۲۴ مورخ ۳۱/۵/۷۷۳۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی، تدوین و پیشنهاد سیاست‌ها و راهبردهای مرتبط

۱. از جمله تشکیل مرکزی به نام تربیت معلم حرفه‌ای دختران، به‌منظور تربیت معلم برای تعلیم در آموزش‌گاه‌های حرفه‌ای دختران شهرستان‌ها (اساسنامه مرکز تربیت معلم حرفه‌ای دختران، مصوب ۱۳۴۷/۶/۴ شورای مرکزی دانشگاه‌ها) تأسیس دانشکده‌های مامایی در نظام عالی آموزش کشور به‌منظور تربیت کارشناسان و کارشناسان ارشد متعهد در زمینه امور آموزش و خدمات مامایی و بهداشتی به مادران و نوزادان براساس معارف و ارزش‌های اسلامی و اصول علمی، فنی و عملی (اساسنامه دانشکده‌های مامایی، مصوب ۶۲/۶/۵ ستاد انقلاب فرهنگی) و تشکیل حوزه علمی خواران (جامعه الزهراء (سلام الله علیها) به دستور امام خمینی (رحمه الله) (اساسنامه جامعه الزهراء، مصوب ۱۳۶۳/۷/۹) تشکیل دانشگاه‌های دخترانه حضرت معصومه (سلام الله علیها) در قم و دانشگاه کوثر در بجنورد.

با اسلامی شدن اولویت اصلی شورا می‌باشد. پس از گذشت بیش از یک دهه تلاش و تدبیر مدیران و مجریان وزارتین علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دانشگاه آزاد اسلامی در اجرای سیاست‌های مصوب سند اولیه دانشگاه اسلامی و بررسی آسیب شناسانه مفاد و محصول سند در بازه زمانی در این قوانین، مشاهده می‌شود که زمینه آموزش در تمامی علوم، برای زنان فراهم شده است، به خصوص علمی که در آن‌ها به زنان متخصص، نیاز بیشتری است. (مانند مامایی و رشته‌های بالینی پزشکی) همچنین ملاحظه می‌شود که برای افرادی که با مشکلات بیشتری روبه‌رو هستند مانند خانواده ایتاگران، امکانات و زمینه‌های بیشتری جهت تحصیل فراهم شده است.

شورای عالی انقلاب فرهنگی به منظور رفع محدودیت پذیرش داوطلبان دختر در برخی رشته‌های دانشگاهی در مصوبه‌ای مقرر نمود: «علی‌الاصول داوطلبان دختر باید بتوانند در هر رشته‌ای که می‌خواهند تحصیل کنند مگر این‌که تحصیل آنان در رشته‌هایی با منع شرعی یا اجتماعی و عملی مواجه باشد.» (شورای عالی انقلاب فرهنگی، مصوبه شماره ۲۲۱۴، ۱۳۶۹) این مصوبه در ضمن تأکید بر برخورداری زنان از حق آموزش برابر و بدون تبعیض بر وجود موانع و محدودیت‌های شرعی یا اجتماعی در پاره‌ای از رشته‌ها نیز اشاره نموده است.

فصل ۱۶ و ماده ۷۹ قانون برنامه هفتم پیشرفت نیز بر رشد ۲۵ درصدی مهارت‌های شغلی زنان از طریق کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی تأکید شده است. ماده ۱۱۱ قانون برنامه چهارم توسعه نیز در این باره مقرر داشته: «دولت موظف است باهدف تقویت نقش زنان در جامعه، توسعه فرصت‌ها و گسترش سطح مشارکت آن‌ها در کشور، به تقویت مهارت‌های زنان متناسب با نیازهای جامعه و تحولات فناوری بپردازد» (قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۳)

قوانین دیگری نظیر قانون «اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش» و قانون «حمایت از کودکان و نوجوانان» بر فراهم کردن آموزش برای همه دانش‌آموزان، از جمله دختران، تأکید دارد. وزارت آموزش و پرورش مکلف است شرایط لازم برای برخورداری برابر از فرصت‌های آموزشی را فراهم کند.

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز که به‌عنوان یکی از اسناد کلان سیاست‌گذاری آموزشی در ایران تدوین شده است، به‌طورکلی به تربیت همه‌جانبه و عدالت آموزشی برای تمامی دانش‌آموزان، اعم از دختر و پسر، تأکید دارد. هرچند که این سند به‌طور خاص به موضوع جنسیت نمی‌پردازد، اما در برخی از بخش‌های آن به‌ضرورت توجه ویژه به نیازهای آموزشی و تربیتی

دختران اشاره شده است. سند تحول بنیادین بر عدالت آموزشی تأکید می‌کند و به لزوم فراهم کردن فرصت‌های برابر آموزشی برای همه دانش‌آموزان اشاره دارد. این عدالت آموزشی شامل دختران نیز می‌شود، به‌ویژه در مناطقی که ممکن است دسترسی به آموزش برای دختران محدود باشد. یکی از اصول مطرح‌شده در سند، توجه به تفاوت‌های فردی و جنسیتی است. این به معنای آن است که برنامه‌های آموزشی باید با در نظر گرفتن ویژگی‌ها و نیازهای خاص دانش‌آموزان، از جمله دختران، طراحی و اجرا شوند. هم‌چنین سند تحول بر تربیت دینی، اخلاقی و فرهنگی دانش‌آموزان تأکید دارد. در این بخش‌ها، اهمیت توجه به آموزش‌های دینی و اخلاقی برای دختران با در نظر گرفتن جایگاه ویژه آنان در خانواده و جامعه مطرح‌شده است. توجه به نقش‌های اجتماعی و خانوادگی و توسعه هویت اسلامی و ایرانی از دیگر الزامات این سند است.

۳-۴. الزامات اجرایی حق فرهنگی آموزش زنان

یکی از مسائلی که در رابطه با حق آموزش زنان مطرح است، تفکیک موضوعات و رشته‌های علمی به تناسب نیازها و استعداد و خصوصیات جنسی زنان است با این توجیه که تقسیم وظایف بر اساس نقش‌های جنسیتی در جامعه می‌تواند به تحقق بهتر اهداف و کارآمدی بیشتر منجر شود. این موضوع که به سیاست‌گذاری دولت در عرصه آموزشی مربوط می‌شود توجه به نیازهای جامعه و ارائه امکانات آموزشی بر اساس ضرورت‌هاست. برخی محدودیت‌ها و تفکیک رشته‌های آموزشی به شرح ذیل صورت گرفته است:

- اول: محدودیت در رشته‌هایی که توان و قدرت جسمی بالا لازم دارند. مهندسی معدن و

برخی از گرایش‌های رشته کشاورزی و نظامی از این دست هستند.

- دوم: محدودیت در رشته‌هایی که با شأن و کرامت زنان منافات دارد و از زن استفاده ابزاری

می‌شود. ممکن است برخی محیط‌ها برای آموزش زنان مناسب نباشد البته در این راستا

دولت موظف است برای تأمین حق آموزش زنان محیط مناسب برای آموزش آنان را فراهم

کند نه این‌که برای زنان محدودیت ایجاد کند.

- سوم: محدودیت رشته‌هایی که ممنوعیت شرعی دارند. در میان رشته‌های موجود در نظام

علمی کشور نمی‌توان گفت آموزش یک رشته علمی برای زنان فی‌نفسه دارای ممنوعیت

شرعی است. حتی رشته‌هایی نظیر حقوق که پذیرش زنان برای قضاوت از نظر برخی

دیدگاه‌ها دارای منع شرعی است آموزش و یادگیری آن با ممنوعیتی روبرو نیست زیرا دانش

حقوقی دارای کاربردهای زیادی است و منحصر در یک شغل خاص نمی‌شود.

- چهارم: پاره‌ای از مصلحت‌ها نظیر حضور حداکثری دختران در برخی رشته‌ها منجر به تغییر ترکیب جمعیتی و کاهش سهم مردان در تحصیل و اشتغال خواهد شد درحالی‌که وظیفه اصلی تأمین هزینه‌های زندگی بر عهده مردان است. یا این‌که وظیفه اصلی زنان امور خانه و رسیدگی به فرزندان است و تحصیل و آموزش برخی رشته‌ها برای انجام وظایف اصلی زنان مفید و قابل استفاده نخواهد بود.

به‌طورکلی از منظر حقوقی محدودیت موجهی در امر آموزش زنان وجود ندارد و برخی سیاست‌های کلان اجتماعی، فرهنگی و دینی مستلزم فراهم کردن بستر مناسب برای آموزش بانوان است. در مواردی که محدودیت زنان از آموزش به دلیل آسیب‌ها و چالش‌های فرهنگی اجتماعی مطرح می‌گردد این محدودیت‌ها نه تنها به حل این مشکلات کمکی نخواهد کرد بلکه ناشی از عدم توجه دولت در ایفای وظیفه خود و فقدان امکانات لازم آموزشی برای همه افراد به‌ویژه زنان می‌باشد.

نتیجه‌گیری

از مجموع مدارک استنباط می‌شود که حق آموزش، نه تنها جنسیت‌پذیر نیست، بلکه هم در مورد زنان و هم مردان سفارشات دینی فراوانی در باب اکتساب علم وجود دارد. تعلم برخی از علوم در دین اسلام، مانند احکام و مسائل شرعی و مسائل مورد نیاز جامعه زنان، واجب است. برخی دیگر از علوم نیز اگرچه اکتساب آن بر زن واجب نیست، اما یادگیری آن به زنان سفارش شده است. حق آموزش زنان در جمهوری اسلامی ایران در قوانین اساسی و عادی کشور به رسمیت شناخته شده و دولت از طریق برنامه‌های مختلف سعی در تحقق این حق داشته است. درحالی‌که پیشرفت‌های قابل توجهی در زمینه آموزش زنان به دست آمده است، چالش‌ها و موانع فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی همچنان نیاز به توجه و سیاست‌گذاری‌های بیشتر دارند. تلاش‌های مستمر برای رفع این موانع و بهبود دسترسی زنان به آموزش در همه سطوح، می‌تواند نقش کلیدی در توانمندسازی زنان و توسعه اجتماعی کشور ایفا کند. حق آموزش زنان از مقوله‌هایی است که تأثیر جدی بر روابط خانوادگی و اجتماعی داشته و از این‌رو باید با توجه به حقوق خانوادگی و مقتضیات اجتماعی مدیریت لازم صورت پذیرد. رعایت الزامات خانوادگی و اجتماعی لزوماً به معنای محدود کردن فرصت تحصیل و آموزش برای زنان نیست؛ چراکه نادیده انگاشتن حق تحصیل از بین بردن فرصت رشد و شکوفایی افراد است و عواقب جبران‌ناپذیری به بار خواهد آورد اما ضرورت ایجاد محیط سالم، از بین بردن زمینه‌های آسیب‌زا، کاهش طول دوران تحصیل و حمایت از مادران در دوران تحصیل و هدایت و ارشاد بانوان به رشته‌های اولویت‌دار و موردنیاز می‌تواند به تأمین حق آموزش

در کنار حفظ و استحکام نظام خانواده کمک به سزایی داشته باشد. تحولی که پس از انقلاب درباره جایگاه زن به شکل عام و درمورد علم‌آموزی زنان به نحو خاصی ایجاد شد و حکم حضور زنان در مجامع علمی را از منع و حرمت، به الزام و بلکه وجوب کفایی رسانده و موجب جلب حمایت مجامع علمی دانشگاهی و حوزوی از حضور جدی‌تر زنان در عرصه‌های علمی شده است. از مهم‌ترین دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی ایران در عرصه آموزش عالی زنان راه‌اندازی و حمایت از دانشگاه‌های ویژه بانوان به منظور تربیت زنانی است که هم از لحاظ اعتقادی در تراز اسلامی باشند و هم از لحاظ علمی در مرزهای دانش قدم بگذارند. گسترش دانشگاه‌های تک جنسیتی امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. در دانشگاه تک جنسیتی دختران با یکدیگر مورد ارزیابی قرار می‌گیرند و در سنجش رتبه‌های برتر یا استعدادهای درخشان عدالت بیشتر رعایت می‌شود. دانشگاه تک جنسیتی یکی از عرصه‌های مهم برای تقویت حس اعتماد به نفس و خودباوری در زنان است.

منابع

- قرآن کریم

۱. ابن الاثیر، علی بن محمد (۱۹۷۰ م). أسد الغابه فی معرفه الصحابه (محقق عاشور محمد احمد، بنا محمد ابراهیم، جلد ۵)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۱۵ ق). الاصابه فی تمییز الصحابه (جلد ۵)، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، غفاری، علی اکبر (۱۴۰۴ ق). من لایحضره الفقیه (جلد ۳)، قم: جماعه المدرسین فی الحوزة العلمیه، مؤسسه النشر الإسلامی.
۴. استاماتولو، السا (۱۳۹۲). حق فرهنگی در حقوق بین الملل (ترجمه قاسم زمانی و مناسادات میرزایی)، تهران: انتشارات خرسندی.
۵. امیرخانلو، مینا (۱۴۰۲). حق زن بر آموزش از منظر دیدگاه‌های متفاوت فقهی، حقوق ایران و اسناد بین المللی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.
۶. بخش زاده، علی؛ گرمودی ثابت، مولود و انتخابیان، عذری (۱۴۰۱). بررسی حق آموزش زنان در فقه و حقوق ایران و سند ۲۰۳۰ یونسکو. نشریه فقه و تاریخ تمدن، دوره ۸، شماره ۱، صص ۲۶-۳۴.
۷. بلاذری، ابوالحسن (۱۳۹۸). فتوح البلدان (مترجم رضوان محمدرضوان)، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳). زن در آئینه جمال و جلال، قم: نشر اسراء.
۹. حلوانی، حسین بن محمد (۱۴۰۸ ق). نزهة الناظر و تنبیه الخاطر (چاپ اول)، قم: مدرسه الإمام المهدی (عجل الله تعالی فرجه).
۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۳). تعلیم و تعلم، دسترسی در تارنمای دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای. <https://khl.ink/f/29932>
۱۱. خمینی، روح الله (۱۳۹۲). استفتانات امام خمینی (رحمه الله) (جلد ۱۰)، تحقیق و نشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
۱۲. دروزه، محمد عزه (بی تا). المرأة فی القرآن و السنة، صیدا_لبنان: المكتبة العصرية.
۱۳. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۰۸ ق). أعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
۱۴. ذاکریان، مهدی (۱۳۹۱). جهانی شدن و جهان شمولی حقوق بشر (چاپ دوم)، تهران: مرکز مطالعات حقوق بشر انتشارات دانشگاه تهران.

۱۵. رفیعی، محمدتقی و دباغی، مجید. (۱۳۹۳). جهانی شدن و حقوق زنان؛ فرصت‌ها و چالش‌ها. فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن، دوره ۵، شماره ۱۴، صص ۱۱۸ - ۲۲۵.
۱۶. زارعی هدک، محمد (۱۳۹۳). حقوق بشر توسعه پایدار (چاپ دوم)، تهران: انتشارات کتاب آوا.
۱۷. سلگی، مریم و کریمی، سوده. (۱۳۹۸). سند آموزش ۲۰۳۰ جمهوری اسلامی ایران و حق آموزش زنان. فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، دوره ۱۴، شماره ۴۸، صص ۷ - ۳۷.
- <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.26454955.1398.14.48.1.9>
۱۸. شحاته، عبدالله محمود (بی‌تا). المرأة في الإسلام بين الماضي والحاضر، مصر: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
۱۹. عظیم‌زاده اردبیلی و فائزه؛ خسروی، لیلا (۱۳۸۸). مطالعه تطبیقی حقوق زنان از منظر اسلام و غرب، تهران: انتشارات مرکز امور زنان و خانواده.
۲۰. علاسوند، فریبا (۱۳۹۰). زن در اسلام، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان مرکز، مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران.
۲۱. فتاحی زاده، فتحیه (۱۳۸۷). زن در تاریخ و اندیشه اسلامی، قم: موسسه بوستان کتاب، مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.
۲۲. فضایی، مصطفی (۱۳۸۷). دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین‌المللی، تهران: انتشارات شهر دانش.
۲۳. قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۸۱). نظریات اخلاقی در آئینه حقوق. نامه‌ی مفید، شماره ۲۹.
۲۴. قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۸۹). حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر یکم: درآمدی بر مباحث نظری، مفاهیم، مبانی قلمرو و منابع، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۲۵. کریون، متیو سی. آر (۱۳۸۶). چشم‌اندازی به توسعه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ترجمه حبیبی مجنده، محمد، قم: دانشگاه مفید.
۲۶. کسروی تبریزی، احمد (۱۳۷۶). تاریخ مشروطه ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، مصحح غفاری، علی‌اکبر و آخوندی، محمد. (۱۳۶۳). الکافی (جلد ۵)، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۲۸. گرجی، ابوالقاسم (۱۳۸۸). مقالات حقوقی (چاپ سوم، جلد ۱)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۹. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۸). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (علیهم السلام) (جلد ۶۷)، دار احیاء التراث العربی.

۳۰. محمدی، هاجر (۱۴۰۲). حق تحصیل زنان در قوانین و مقررات از منظر حقوق عمومی. مقاله ارائه شده در پنجمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در روانشناسی، حقوق و مدیریت فرهنگی.
۳۱. نیاورانی، صابر (۱۳۸۹). منزلت «حق بر آموزش» در نظام بین‌المللی حقوق بشر. مجله تحقیقات حقوقی، دوره ۱۳، شماره ۵۲، صص ۱۷۶-۲۰۱.
۳۲. هاشمی، سید محمد (۱۳۹۰). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (چاپ دهم)، تهران: نشر میزان.
۳۳. هرگفهان، بی آر (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر اصول یادگیری، ترجمه علی‌اکبر سیف، تهران: نشر دانا.
1. UNESCO. (1960) Convention against Discrimination in Education. Retrieved from <https://www.unesco.org>
 2. UNESCO. (1960) Recommendation against Discrimination in Education. Retrieved from <https://www.unesco.org>
 3. UNESCO. (1962) Protocol Instituting a Conciliation and Good Offices Commission to Settle Disputes between States Parties to the Convention against Discrimination in Education. Retrieved from <https://www.unesco.org>
 4. UNESCO. (1966) Recommendation concerning the Status of Teachers. Retrieved from <https://www.unesco.org>
 5. UNESCO. (1974) Recommendation concerning Education for International Understanding, Co-operation and Peace and Education relating to Human Rights and Fundamental Freedoms. Retrieved from <https://www.unesco.org>
 6. UNESCO. (1976) Recommendation on the Development of Adult Education. Retrieved from <https://www.unesco.org>
 7. UNESCO. (1989) Convention on Technical and Vocational Education. Retrieved from <https://www.unesco.org>
 8. UNESCO. (1997) Recommendation concerning the Status of Higher-Education Teaching Personnel. Retrieved from <https://www.unesco.org>
 9. UNESCO. (2001) Revised Recommendation concerning Technical and Vocational Education. Retrieved from <https://www.unesco.org>
 10. United Nations General Assembly. (1948) Universal Declaration of Human Rights. Retrieved from <https://www.un.org/en/about-us/universal-declaration-of-human-rights>
 11. United Nations General Assembly. (1966) International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights. Retrieved from <https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/international-covenant-economic-social-and-cultural-rights>
 12. United Nations General Assembly. (1979) Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women. Retrieved from: <https://www.un.org/womenwatch/daw/cedaw>

